

ابوالحسن بهرامی برای چندمین بار با ضرب و شتم اداره اطلاعات قم دستگیر و مجروح شد

در پی تبعیت قاضی پورموسوی از فرمان اداره اطلاعات قم مبنی بر صدور احکام ناعادلانه زندانی ۵۴ نفر از دراویش در رابطه با تهاجم به حسینیه شریعت قم اداره اطلاعات قم او را همچنان تحت فشار قرار داده تا سه تن دیگر از متهمین یعنی احمد شریعت و غلامرضا هرسینی و ابوالحسن بهرامی را به مجازات بیشتری محکوم نماید. یکی از نزدیکان قاضی پورموسوی رئیس شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی جزائی قم ابراز داشته است که از صدور این حکم قاضی پورموسوی دچار عذاب وجدان و افسردگی شده است. این فرد که میل نداشت نامش فاش شود ابراز داشت که قاضی پورموسوی به وی گفته است که اداره اطلاعات او را تهدید کرده است که اگر حکم برائت دراویش را صادر کند برخی مسائل گذشته وی را علنی خواهد کرد و به جریان خواهد انداخت. وی اضافه کرد که علنی شدن نقطه ضعفهای وی نه تنها باعث از دست دادن شغل او میگردد بلکه سبب بازداشت او نیز خواهد شد. در این ارتباط نامبرده حاضر نشد اطلاعات بیشتری را در مورد مسائل قبلی قاضی پورموسوی در اختیار خبرنگار قرار دهد.

گفتنی است محمد سیفزاده وکیل دراویش گنابادی که در ماجرای حسینیه شریعت قم موجب ضرب و جرح قرار گرفته بودند در گفتگو با خبرنگار "ایلنا" از ارایه شکایت موکلان خود به دادسرای عمومی و انقلاب قم خبر داد. و این موضوع سبب تحرکات بیشتر اداره اطلاعات قم و گروههای فشار وابسته به آن مبنی بر تحت فشار قرار دادن دراویش شده است.

صبح روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ چند نفر از مأموران اداره اطلاعات قم که برخی از لباس شخصیهای گروه فشار آنها را همراهی میکردند به منزل ابوالحسن بهرامی واقع در بیستمتری شهید رجائی کوچه ۱ وارد شده و وی را در مقابل چشمان خانواده‌اش پس از ایجاد رعب و وحشت و ضرب و شتم بازداشت و به دادیاری شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب قم برده‌اند. شاهدان عینی از اجتماع و اطلاع قبلی گروه فشار در محل دادسرا به رهبری آخوند شهشهرانی و مجید فولادی خبر دادند که برخی از آنان از وابستگان هیئت فاطمیون و بسیج مدرسه‌های حوزه‌های علمیه کرمانی و معصومیه و فیضیه بودند. در درون راهروی دادسرا آخوند شهشهرانی و مجید فولادی اقدام به مضروب ساختن ابوالحسن بهرامی که در سنین بازنشستگی می‌باشد نموده و نتیجتاً قنبریا دادیار شعبه ۲ دادسرای عمومی انقلاب قم مجبور شد تا او را از دادگستری بیرون کند.

این چندمین بار است که اداره اطلاعات قم بهرامی را ربوده و مورد ضرب و شتم قرار میدهد. در جریان ماجراهای حسینیه شریعت اولین بار در ۲۸ دی ۱۳۸۴ ساعت ۷:۳۰ بامداد اداره اطلاعات قم طبق دستور مصطفی شجری معاون امنیتی اطلاعات قم وی را از داخل خیابان رجائی ربوده و به اجرائیات سپاه منتقل

مینمایند. در بار دوم نیز در ۱۸ بهمن ۸۴ وی را از خیابان ربوده و به دلیل ضرب و شتم زیاد و وارد آوردن ضربات مشت بر سینه وی دچار ایست قلبی شد و به بیمارستان منتقل نمودند. او بعد از يك هفته از بیمارستان مرخص میشود. ربودن وی نیز ایندفعه به دستور رئیس کل اطلاعات قم صورت میگیرد.

جرم ابوالحسن بهرامی دبیر بازنشسته قم در ماجرای حسینیہ شریعت تکثیر و الصاق ۲ اعلامیه زیر در سطح قم و ارائه به منزل برخی مراجع بوده است:

اعلامیه شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

هو

۱۲۱

یا علی

لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار
فضیلت مجالس ذکر از نظر و دیدگاه فقرای سلسه علویه رضویه
اثنی عشری شاه نعمت‌اللهی سلطانعلیشاهی گنابادی

مجالس ذکر و انجمنهای فقری روضه ایست از ریاض جنت و نور بخش
آسمانها و برکت و وسعت و رحمت زمین و مسرت بخش بزرگان و محبوب
مومنان. اگر موفق بحضور در این مجالس شدیم باید شکرگزار
بوده و کاملاً متوجه حق و متذکر و خیالات دنیویه را از خود
دور نموده و خانه دل را مخصوص حق قرار دهیم تا مورد عنایت
حق واقع گردیم و بصیرت و بینایی یابیم.
برو تو خانه دل را فرو روپ مهیا کن برای جای محبوب
چو تو بیرون شوی او اندر آید به تو بی تو جمال خود نماید،
و سعی کنیم که در غفلت نبوده به ذکر و فکر و یاد حق مشغول
باشیم که شیطان و جنود او با تمام وسایل مجهز در صدد اغوای
انسان و راهزنند که عرض کرد: « فبعزتک لا غوینهم اجمعین الا
عبادک منهم المخلصین» و سعی و جدیت و جد دارند بهر وسیله
ایست از یاد خدا بازدارند. میدان مبارزه و مجاهده است و
اگر فضل و لطف حق شامل نشود بر شیطان و جنود او فائق
نخواهیم شد و از برکات اینگونه مجالس برخوردار و بهره مند
نخواهیم بود. باید در دل از خدا جز خدا نخواهیم و خواهشهای
دنیویه که قابل اعتنا نیست از خود دور سازیم
از خدا غیر از خدا را خواستن ظن افزونیست کلی کاستن
و دل بلکه تمام اعضاء را بیاد خدا مشغول داریم که شیخ
سعدی فرماید:

خالی از ذکر تو عضوی چه حکایت دارد؟

سر مویی به غلط در همه اعضا نیست

بزرگترین حجاب خودبینی و خودیت است تا این حجاب پاره نشود
بصیرت و بینایی حاصل نگردد و مولی المولی علیه السلام در

دعای کمیل عرض میکند: لا ینال ذلک الا بفضلک و کرمک.
امیدورایم به فضل حق و توجه اولیای حق بتوانیم از برکات اینگونه مجالس مستفیض گردیم که سعادت دنیا و آخرت و اصلاح جمیع امور ظاهریه و باطنیه از برکات این مجالس و انجمنهاست که فرموده اند: تفکر ساعه خیر من عبادة سبعین سنة که مقصود از تفکر یاد حق بودن و خود را فراموش نمودن است. انجمن مقدس ذکر مورد توجه حق تعالی و مورد نظر انبیاء و اولیاء و ملائکه است و ملائکه اطراف مجلس ذکر را احاطه کرده و برای اهل آن دعا و طلب استغفار میکنند. ارواح مومنین هم که احاطه به این عالم طبیعت دارند غبطه حضور در این مجالس را می خورند، خاصه که انعقاد مجلس بنام مبارک یکی از بزرگترین اولیاء عظام تشکیل گردیده باشد. از حضرت حق درخواست و مسئلت داریم که ما را مؤید و موفق بدارد که قدر این مجالس را دانسته به غفلت و خیالات دنیوی متوجه نباشیم و همواره متذکر و متوجه حق بوده از فیض مجلس ذکر محروم نگردیم که فرمودند: الذکر طاعة و الغفلة معصية هر آنی که متذکر حق باشیم در عبادت و هر لحظه که به غفلت گذرانیم در معصیت خواهیم بود. اجتماعات مذهبی فقط باید برای یاد خدا و تذکر و توسل به بزرگان دین و روانهای پاک آن بزرگواران باشد و اغراض دنیویه و امور مادی در بین نباشد و بلکه بزرگان ما منع فرموده اند که در اجتماعات مذهبی که باید فقط برای یاد خدا باشد از امور دنیویه سخن بمان آید و وقت گرانبهای اجتماعات ما صرف اغراض مادی گردد چنانچه خرید و فروش در مسجد را منع کرده اند. البته از کار دنیا و اجتماعات دنیوی ممانعت نشده بلکه کسی که بیاد خدا از جنبه اطاعت امر باشد مدوح بلکه واجب شمرده اند ولی فرموده اند مجالسی را که مخصوص یاد خدا و توسل است و حلقه ذکر نامیده می شود روضه ای است از ریاض جنت و ارواح مطهره انبیاء و اولیاء علیهم السلام حاضرند بلکه صاحب ولایت و راهنمای زمان و ولی امر در آن مجلس حاضر و ناظر است و نباید خود را به امور دنیویه که قابل اعتنا و توجه نیست آلوده ساخت. چون خدا غنی الشکر است و عبادتی را که شائبه غرض مادی در آن باشد رد میکند و مجالسی هم که به اغراض دنیویه مشوّب باشد فیض و اجر نخواهد داشت. بزرگان و پیشوایان ما که ائمه اطهار صلوات الله علیهم باشند بعد از قضیه عاشورا برای اینکه وسیله اجتماع مذهبی در میان موجود باشد و ذکر امور دنیویه در آن میان نیاید فاجعه شهادت حضرت حسین علیه السلام را که بزرگترین واقعه جانسوز عالم است متذکر گردیده و به پیروان و مؤمنین دستور می دادند که از تذکار مصائب حسین علیه السلام غفلت نورزند و دور هم بنشینند و بیاد ظلمی که نسبت به آن بزرگوار شده بود باشند. در این دستور هم منظور سیاسی و هم اجتماعی و هم دینی مندرج بوده زیرا منظور این بوده که اعمال و رفتار و گذشت از مال و جان آنان را سرمشق خود قرار داده رفتار نمائیم. علاوه از توجه به غیر خدا در آن مجالس منصرف و روح

خود را اتصال به عالم ملکوت داده و ارتباط با آن عالم اصلی خود پیدا کنیم. این امر که به این نظر منظور و دستور داده شده بر غلبه احساسات مذهبی و شدت محبت دینی به بزرگان در میان شیعه رواج یافته و در وفات و تولد همه بزرگان دین اجتماع نموده و بیاد خدا ذکر مناقب و مصائب آنان مشغول بودند و در روزهای تولد جشن گرفته و در ایام وفات سوگواری را می‌آورند. بزرگان عرفا نیز در هر زمان از این سنت سنیه پیروی نموده و در اقامه عزاداری و گاه هم جشن تولد ائمه هدی علیهم السلام جد بلیغ می‌نمودند از جمله مرحوم مبرور سلطان الاولیاء حضرت آقای شهید طاب ثراه در این امر جهد وافر مبذول میداشت و در تمام سال مجالس سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام را منعقد و کسانی که درک فیض زیارتشان را کرده‌اند همه می‌گویند که حضرتش در مجالس سوگواری کثیرالبکاء بوده و بلکه گاهی در امثال روز عاشورا و بیست یکم رمضان حال انقلاب بر ایشان دست میداد. البته همانطور که عرض شد باید منظور را متوجه باشیم و پی به اصل مقصود ببریم و حال توسل و تذکر را زیاد کنیم و در اینگونه مجالس درخواست فیض از منبع فیض نمائیم و قدردان نعمت موجود بوده و از خداوند بخواهیم که حال شکر را از ما سلب نفرموده و نعمت موجوده یعنی ادامه نعمت وجود حضرت ولی امر و راهنمای زمان ارواحنا فداه را از حضرت حق مسئلت نمائیم. حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم که از دنیا رحلت فرمود بشریت آن حضرت از دست رفت ولی معنویت او و روحانیتش باقی ماند و در وجود مبارک حضرت مولی الموالی علی علیه السلام جلوه نمود و این فیض حق قطع شدنی نیست و در هر زمان در مظهری جلوه گر است و امروز در وجود مقدس امام زمان حضرت حجت بن الحسن عجل الله فرجه متجلی و اشعه انوار آن حضرت در وجود اولیای حق ظاهر و هویداست و از خداوند مسئلت داریم که چشم ظاهر و باطن ما را به زیارت جمال مبارکش منور فرماید. مولوی علیه الرحمه فرموده:

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد دل برد و نهان شد
هر دم به لباس دگر آن یار پر آمد گه پیر و جوان شد
فی الجمله هم او بود که می آمد و میرفت هر قرن که دیدی
تا عاقبت آن شکل عرب وار بر آمد دارای جهان شد.
ایضا "مولوی فرماید:

آن سرخ قبایی که چو مه پار پر آمد
امسال در این خرقه زنگار برآمد
آن ترک که آن سال به یغماش بدیدی
این است که امسال عرب وار برآمد
آن یار همان است اگر جامه بدل کرد
آن جامه بدل کرد دگر بار برآمد
آن باده همان است اگر شیشه دگر شد
بنگر که چه خوش بر سر تخمار برآمد
آن شمع به صورت به مثل مشعله شد

وین مشعله زین روزن اسرار برآمد.
در مشارق الانوار از حضرت مولی المولی علی علیه السلام نقل
شده که فرمود: «فانا نظهر فی کل زمان و وقت و اوان فی ای
صورة شئنا باذن الله عز و جل یعنی ما ظاهر می‌شویم در هر
زمان و در هر صورت که مجوایم به اذن خدای تعالی. بنابراین
اینها بهانه و وسیله برای توسل و التجا و یاد حق است
چنانکه عرفا در کعبه و بتخانه محبوب را می‌بینند.
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه

امید است در اینگونه مجالس از یاد خدا غفلت ننموده و به
ذکر و فکر خود که دستور داده شده مشغول باشیم و از اولیای
حق و خداوند منان استمداد نموده نورانیت و معرفت و نیستی و
رفع گرفتاریهای صوری و معنوی و اصلاح مشکلات ظاهری و باطنی
خود را مسئلت نمائیم که به طوری که ذکر شد دعا و توسل و
التجاء در اینگونه مجالس اجابت خواهد شد.
تالیف: جناب حاج سید هبه الله جذبی (ثابتعلی)
از جهت ترویج ارواح مطهره مقدسه انبیاء و اولیاء خصوصاً
حضرت خاتم الانبیاء و ائمه هدی و فاطمه زهرا سلام الله علیهم
اجمعین و جمیع مشایخ ائمه اثنی عشر بخصوص شیخ وقت ما حضرت
آقای مجذوبعلیشاه سلمه الله تعالی و از جهت ظهور و خروج حضرت
صاحب الامر و العصر و زمان و خلیفة الرحمن عجل الله تعالی
فرجه و از جهت ازدیاد قوت ظاهر و باطن جمیع راهنمایان دین
و از جهت ذکر دوام و فکر مدام جمیع اهل سلوک و خصوصاً فقرای
سلسله نعمت الهیه مجرمة سورة مبارکه الفاتحه. والسلام
آدرس: قم خیابان ارم کوچه شریعت ۱۸ حسینیه شریعت - شیخ
جلیل سلسله صوفیه علویه رضویه اثنی عشری شاه نعمت الهی
سلطانعلیشاهی گنابادی سلاله السادات عارف ربانی جناب حاج
سید احمد شریعت رضوی « درویش فیض علی» دامت شوکته

اعلامه شماره ۲

هو

۱۲۱

یا علی

صلی الله علیک یا امیر المومنین

ناد علیاً مظهر العجائب تجده عون لك فی النوائب لی كل هم و

غم سنجلی بولایتک یا علی

خلاصه اصول تعلیمات و رویه و شناخت از عقاید و افکار و
سیره و سنت فقرای سلسله علویه، رضویه، اثنی عشری، شاه نعمت
الهی سلطانعلیشاهی گنابادی تقدیم می‌گردد:

۱. کمال تغیر و دقت در انجام تکالیف و وظایف شرعیه دارند حتی علاوه بر ایتان واجبات و ترک محرمات تا ممکن شود مستحبات را نیز عمل نموده و از مکروهات اجتناب نمایند بلکه بزرگان توصیه مینمایند که تا بتوانند از امور مباحه هم خودداری کنند که مبادا به مکروهات و بالنتیجه به محرمات دچار گردند. و این تکالیف شرعیه تا حیات باقیست ولو هر قدر در مراتب روحی ترقی کند ساقط نمیگردد بلکه هر قدر در مقامت معنوی بیشتر ترقی کند، سعی و کوشش او در عبادت و طاعت و خضوع و خشوع زیادتیر گردد. و در دستورات طریقتی بعضی از مستحبات را موظفند همیشه انجام دهند مانند دوام بر طهارت و ادای فرایض در اول وقت و بیداری سحرها برای عبادت خصوص بین الطلوعین و قرائت مقداری از قرآن مجید بعد از ادای نماز صبح و خواندن صلوات کبیره بعد از نماز صبح و موقع خواب. در مجامع فقری هم پس از ادای نماز جماعت در صورت بودن مأذون، یکی از کتبی که شامل وظایف شرعیه و دستورات اخلاقی و عرفانیست خوانده شده و بعد مقداری از اشعار عرفای بزرگ خوانده میشود و همه با حالت سکوت بیاد خدا و استماع میباشند.
۲. از غروب روز پنجشنبه تا بعد از ادای فرایض ظهر جمعه بموجب آیه شریفه: « اذانودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعو الی ذکر الله و ذروالبیع » اموردنیوی راترک کرده، از کسب و کار دست کشیده به امور مذهبی از قبیل شرکت در مجامع فقری و زیارت اخوان و قبور بزرگان و عیادت بیماران و دستگیری بینوایان و اعانت مظلومان و غیره مشغول میباشند یا به عبادت و بندگی خدا و خواندن دعا میپردازند.
۳. اشخاصی که مبتلا به استعمال تریاک یا سایر مواد مخدره از قبیل حشیش و بنگ و مسکرات و غیره میباشند در این سلسله قبول نشده و استعمال تریاک را مطابق فتاوی بیشتر از علما حرام میدانند و در این سلسله معتادین به این امور وجود ندارند حتی غالب بزرگان از استعمال قلیان و سیگار هم بعلت مضر بودن به صحت مزاج اجتناب دارند.
۴. کلیه پیروان این سلسله باید از راه کسب و کار رفع احتیاجات زندگی خود را نموده و حتی خود بزرگان هم از طریق زراعت و حفر قنوات و احیای زمین مواد، امرار معاش میکنند از تنبلی و بیکاری پرهیز دارند و اشخاص بیکار که از راه تکدی یا دوره گردی یا خواندن در معابر تحمیل و سربار دیگران هستند قبول نشده و در این سلسله یافت نمیشوند.
۵. نسبت به هیچیک از سلاسل بلکه مذاهب، تنقید و بدگویی ننموده، با همه به محبت و دوستی رفتار مینمایند، بلکه بدگویی نسبت به رؤسا و بزرگان هر سلسله و مذهب را به موجب آیه مبارکه « ولا تسبو الذین یدعون من دون الله بغیر علم » حرام میدانند و اگر مدح با ذم مینمایند مطابق رویه قرآن مجید، عمل را ملاک قرار میدهند نه شخص را، و دستور کلی: « با

خداوند به بندگی و طاعت و با عموم به مهربانی و شفقت و با برادران دینی به کوچکی و خدمت « میباشد.

۶. تعداد زوجات را به مصداق آیه مبارکه: «فان خفتم الا تعدلو فواحدة» و آیه شریفه: « ولن تستطيعوا ان تعدلو » جایز نمیدانند مگر در موارد ضرورت و نادره که به علل شرعیه ناچار از تعدد گردند. طلاق را نیز به موجب حدیث شریفه: « ان ابغض الاشياء عندی الطلاق » اجازه نمیدهند مگر در مواردی که توافق غیرممکن یا محل امور دیانتی یا مذهبی بوده باشد.

۷. نسبت به علمای اعلام که مجازین روایت و مأمور تبلیغ احکام شرعیه فرعیه هستند کمال تجلیل و احترام را قائلند و پیروان را در وظایف شرعیه امر میکنند که از مرجع تقلید اخذ تکلیف نمایند چه شریعت را پایه و اساس و مقدمه طریقت میدانند و بدون انجام وظایف شرعیه که از روی تقلید صحیح باشد امور قلبی و طریقتی را بی اثر دانند.

۸. دخالت در هر یک از امور مذهبی را بدون اجازه از صاحب اجازه ای که اجازه آن بوسائط متصل به یکی از معصومین علیهم السلام شود جایز نمیدانند مانند امامت جماعت و اخذ وجوه خدایی و قضاوت و فتوی و غیره و میگویند همانطوری که بدون حکم و فرمان شاه کسی نمیتواند در امور دولتی دخالت کند ولو هر قدر عالم به قوانین اداری یا حقوقی یا جریان مالی باشد، همچنین در امور مذهبی هم بصرف دانستن احکام جایز نیست مباشرت نماید مگر آنکه اجازه از صاحب اجازه صحیحه غیر مخدوشه داشته باشد.

۹. هیچیک از پیروان، حق دعوت و تبلیغ ندارند و باید به عمل و کردار نیک رفع شبهات کرده و خلق را راغب و مایل به دیانت نمایند و اساساً میگویند طریقت امر قلبی و باطنی است و دعوت مربوط به امور ظاهری و شریعتی است هر کس مورد فضل و هدایت الهی واقع گردد: چه هدایت مخصوص ذات اقدس الهی است که ان الله یهدی من یشاء به قلب او می اندازد که در صدد طلب حق بر آید و چون در طلب خود به سعی و کوشش پرداخت و با تضرع و نیازمندی از خدامند ارائه طریق خواست خداوند بموجب آیه شریفه « والذین جاهدوا فینا النهدینهم سبلنا » البته او را به طریق حق راهنمایی فرماید و بنمایند خود رساند. از این رو این سلسله هیچگونه تظاهر و اجتماعات تبلیغی ندارند و غیر از جماع فقری که معمولاً شبهای جمعه و دوشنبه و صبحهای جمعه است جماع عمومی دیگری ندارند و در این جماع هم فقط به ذکر خداوند اکره امور مذهبی و ذکر فضایل و مکارم بزرگان مشغولند. و در این جماع هم ورود غیر پیروان مانعی ندارد.

۱۰. پیروان این سلسله اجازه ندارند در سیاست دخالت کنند» البته مشاغل دولتی جزء کسب و کار است « یا در احزاب و دستجات سیاسی وارد گردند و در جماع فقری هم هیچگونه مذاکرات سیاسی نباید بشود بلکه در آن جماع امور مادی و دنیوی هم صحبت نشود و فقط به یاد خدا و امور روحی و معنوی

پردازند و در عین حال قوانین مملکتی را محترم شمرده مطیع باشند و تا بتوانند از وظایف شخصی تجاوز ننموده بکار خود مشغول و متوجه خوب و بد دیگران نباشند و سعی باشند که حتی الامکان خود را اصلاح نمایند .

۱۱. از خصوصیات این سلسله آنکه غالب مشایخ و مجازین آنها علمایی هستند که تمام مراتب علمی و صوری را مجد کمال رسانیده و مجتهد یا قریب الاجتهادند که بعد از طی تمام مقامات علمی و داشتن احترامات صوری به فکر تکمیل باطن و علوم معنوی و ترقی روحی ، همان مراتبی که اصحاب سر ائمه اطهار علیهم السلام ، دارا بودند برآمده و ترک تمام مراتب و مقامات صوری را نمودند بلکه خود را مورد طعن و لعن ظاهرینان قرار داده و سلوک در این سلسله و تسلیم به نماینده الهی را اختیار نموده اند ، « رجوع شود به حالات مشایخ این سلسله در کتاب نابغه علم و عرفان »

۱۲. این سلسله چون در ظاهر و وظایف شرعی هیچگونه اختلافی در اعمال و اعتقادات با علماء اعلام و شیعه حقه اثنی عشریه ندارند بحسب ظاهر و لباس و محل عبادت که مسجد است تمایزی نداشته و حتی محل خاصی بنام خانقاه را که موجب دوئیت و تشدد گردد معتقد نیستند چه بزرگترین علت ضعف و انحطاط اسلام را همین ایجاد فرق مختلفه اسلام میدانند و میگویند باید همه با هم متحد و متفق شده در صدد اعلائی کلمه اسلام و رفع مفساد و خطراتی که پیش آمده برآیند . طریقت امر معنوی و اصلاح نفس و تصفیه روح است و مستلزم ظاهر خاصی نیست و وظیفه پیروان آنست که در ظاهر با سایر مسلمین که برادران اسلامی هستند مشابه و مشترک بوده و وضع خاصی که آنها را از دیگران متمایز نماید نداشته باشند . فقط جدیت کنند که در انجام وظایف شرعی و اخلاقی خود را ممتاز نمایند و در وظیفه طریقی هم در هر حال بیاد خدا و از ذکر او غافل نشوند که موجب حدیث شریف : « الذکر طاعه الغفله معصیه » غفلت و فراموشی از یاد خدا را گناهی عظیم شمارند و درعین آنکه به امور دنیوی مشغولند باید در دل بیاد خدا باشند که مثلی است مشهور : « دست به کار و دل با یار »

اندر همه جا با همه کس در همه کار
میدار نهفته چشم و دل جانب یار
یک چشم زدن غافل از آن شاه نباشید
شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

۱۳. در این سلسله الزامی به گذاردن شارب ندارند و بزرگان فرموده اند که : دینی را به مویی نبسته اند . ولی هیچیک از علما هم به حرمت یا کراهت آن فتوی نداده اند بلکه قائل به استحباب آن هستند و این استحباب را هم علمای تشیع از راه تسامح در ادله سنن قبول نموده اند والا غالب روای این اخبار غیر موثقند .

۱۴. بزرگان عرفا را نمایندگان حق و نایب امام (ع) و مجازین درایت و مأمورین اصلاح نفوس و تهذیب اخلاق و تصفیه روح و متوجه نمودن خلق بسوی خدا میدانند و اجازه آنها را بوسائط صحیحه متصل به امام (ع) رسانند و امر و اطاعت دستورات آنها را امر الهی دانند چنانچه علمای اعلام را نمایندگان حق و نایب امام (ع) در تبلیغ احکام و وظایف شرعیه دانند و باید اجازه روایت آنها هم بوسائط غیر مخدوشه به امام متصل گردد.

۱۵. عبادات و اعمال مذهبی باید به امر آمر الهی باشد که اگر بدون امر آمر الهی انجام شود نتیجه و ثمر اخروی نخواهد داشت، نهایت آنکه اگر از روی صدق و اخلاص بدون ا شائبه ریا و اغراض نفسانی باشد خداوند متعال به مصداق آیه مبارکه: «والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا» او را به امر الهی رسانده و پس از تسلیم به امر او اجر و ثواب اعمال گذشته او را هم به او عطا خواهد فرمود

۱۶. ولایت علی (ع) را که مطابق اخبار صحیحه متواتره، شرط قبول اعمال و دخول در باب علم است، غیر از اظهار علاقه و محبت و ارادت، اعتقاد به خلافت بلافصل آنحضرت دانند و الا هزاران اشخاص از مذاهب غیر از اسلام هم اظهار محبت و ارادت به آن بزرگوار را مینمایند پس باید آنها هم دارای ولایت باشند، بلکه میگویند بموجب حدیث شریف «بنی الاسلام علی خمس: الصلوة الزکوة و الصوم والحج والولایه» که ولایت را که امر معنوی و قلبی است جزء اعمال بدنی و جوارحی ذکر فرموده اند و الا باید توحید و نبوت و معاد را نیز ذکر کرده باشند و آن عمل بدنی که ترخیص در آن داده نشده است بیعت ایمانی است که تا کسی این بیعت را انجام ندهد اگر تمام عمر مشغول عبادت و طاعت باشد، هرآینه خداوند او را به رو درآتش جهنم اندازد و این بیعت ایمانی و بیعت اسلامی در زمان حیات رسول اکرم (ص) ظاهر و آشکار بوده است. بعد از آن حضرت مخالفین به زور از مردم بیعت اسلامی می گرفتند ولی بیعت ایمانی را علی و ائمه علیهم السلام بعد از آن حضرت تا زمان غیبت کبری خود آن بزرگواران یا نواب و مشایخ آنها بواسطه خوف از خلفای جور مخفیانه از اشخاصی که خداوند آنها را هدایت میفرمود بیعت می گرفتند و آیات قرآنی بالصراحه و اخبار و احادیث بالکنایه و تواریخ بر این امر دلالت دارد و ثابت است و هیچ دلیلی از آیات و اخبار در دست نیست که در زمان غیبت امام زمان عجل الله فرجه این امر مهم که بموجب آیه مبارکه: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» که موجب اکمال دین است ساقط و نسخ شده باشد لذا باید عقلاً و نقلاً و فضلاً در زمان غیبت هم این عمل را انجام دهند و آنها مجازین در درایت و بزرگان عرفا میباشند که به اجازه متصله بوسائط به امام (ع) از مستعدین اخذ بیعت مینمایند ولی البته باید اشخاصی که بیعت میگیرند با اجازه صحیحه و غیر مخدوشه که متصل به امام گردد بوده باشند. بیعت معامله با

حق است که « ان الله اشترى من المومنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة » پس باید معامله با نماینده حق که اجازه داشته باشد انجام گیرد.

۱۷. توفیق درک خدمت نماینده حق و صاحب اجازه ، اولاً به هدایت و راهنمایی حق است که هر کس را خدا بخواهد به نماینده خود هدایت میفرماید ثانیاً تشخیص صاحبان اجازه حقه به حسب ظاهر به دو امر است یکی نص و دیگر اثر ، نص یعنی اجازه او بدون قطع و فصل کتباً با شفاهاً « نه در خواب » متصل به امام گردد و البته تحقیق این امر مستلزم دقت و تعمق در حالات و کتب عرفا و بزرگان است. اما اثر عبارت از آنست که در ملاقات و زیارات آنان مطابق دستور حضرت عیسی (ع) باشد که از آن حضرت سؤال کردند که : « من مجالس ، فرمود من يذكر الله رويته و يزيدو في علمكم منطقه و يرغب في الاخرة عمله » باید ملاقات و مجالست و مصاحبت او شما را بیاد خدا اندازد و بیان او بر دانایی شما بیفزاید و عمل و رفتار او شما را راغب و مایل به آخرت نماید و از دنیا و علاقه به آن متنفر سازد . چنین کسی شایستگی آن دارد که تسلیم او شوید بعلاوه باید اعمال و رفتار و عقاید او کاملاً مطابق شرع انور باشد که اگر عمل از اعمال شریعت را مهمل گذارد یا عقایدی مخالف قرآن مجید و احادیث داشته باشد قابل اطاعت و پیروی نخواهد بود البته این تشخیصات در بدو امر است و بعد از آنکه تسلیم امر شد و به دستورات عمل کرد حس میکند که روز بروز نفس او اصلاح شده و اخلاق رذیله او تبدیل به صفات حسنه گردیده و صفا و نورانیتی در قلب او ایجاد شده ، آنوقت یقین میکند که براه نیک و حقی میباشد.

« والسلام »

آدرس : قم خیابان ارم کوچه شریعت (۱۸) حسینیه شریعت - شیخ جلیل سلسله صوفیه علویه رضویه اثنی عشری شاه نعمت الهی ولی سلطانعلیشاهی گنابادی عارف ربانی سلاله السادات حاج سید احمد شریعت رضوی « درویش فیض علی » دامت شوکته
تلفن ۷۷۳۴۶۳۳

اعلامه شماره ۲

هو

۱۲۱

یا علی

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً
آیه النصره
لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

آداب مجالس فقری و آداب ورود و حضور در مجالس ذکر و رسیدن خدمت اقطاب و مشایخ صوفیه سلسله علویه رضویه اثنی عشری شاه نعمت الهی سلطانعلیشاهی گنابادی
ای یاد تو مونس روانم جز ذکرتو نیست بر زبانم
ای فقیر بدان که بهترین اعمال ذکر خداوند متعال و یاد او بودنست و از اعمال واجب هم منظور همان یاد خداست چنانچه مولوی فرماید:

اگر نه روی دل اندر برابرت دارم
من این نماز حساب نمازنگذارم
مراد من ز نمازان بود که من با تو
حدیث درد فراق تو با تو بگذارم

پس منظور از اعمال واجبه و مستحبیه همه همان ذکر و یاد محبوبست و برای سالک کوی دوست هیچ چیز بهتر و نیکوتر از یاد دوست نیست و یاد دوست در همه حال نیکوست خصوصاً در حال اجتماع مومنین که محل رحمت و برکت است و خداوند و ملائکه و ارواح انبیاء و اولیاء علیهم السلام به آن مجلس توجه دارند. لذا برای آن مجلس فضایل و آدابی است که مختصری از آیات و اخبارائمه هدی علیهم صلوات الله الملك و المستعان و گفتار بزرگان دین قدس الله اسرارهم را برای تذکر خود و برادران ایمانی به عرض میرساند باشد که به لطف خدای متعال توفیق عمل حاصل گردد.

فضیلت ذکر خدا و امر به آن:
آیات:

۱. یا ایها الذین امنوا اذکروا لله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة و اصیلاً ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را بسیار یاد نمائید و او را هر صبح و شام تسبیح نمائید.
۲. و اذکروا لله ذکراً کثیراً لعلکم تفلحون، ترجمه: خدا را زیاد یاد نمائید تا رستگار گردید.
۳. و سبح محمد ربک حین تقوم و من الیل فسبحه و ادبار النجوم . ترجمه: حمد و ثنای پروردگارت را بنما زمانی که در شب برمیخیزی و زمانی که ستارگان پنهان می گردند.
۴. الا بذكر الله تطمئن القلوب . ترجمه: بیاد خدا دلهایتان را آرامش دهید.
۵. الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی الخلق السموات و الارض. ترجمه: کسانی که خدا را در نشستن و خوابیدن یاد می کنند و تفکر در خلق آسمانها و زمین می نمایند مؤمنانند. آیات قرآنی درباره ذکر بسیار است ولی پنج آیه آوردیم.
احادیث:

۱. الا ان خیر اعمالکم و اذکارکم الا آخر ترجمه: آگاه باشید بدرستی که بهترین کارها و یادها نزد صاحب شما و آن چیزی که شما را بلند مرتبه و منزلت و درجه مینماید و بهتر از آنچه آفتاب بر او می تابد یاد خداست.

۲. قال الله تعالى: انا جليس من ذكرني الا آخر ترجمه: خداوند می فرماید: من همنشین با کسی هستم که یاد من کند و بلند است مرتبه و منزل کسیکه با خدا همنشین باشد.
۳. قال رسول الله (ص): من اكثر ذكر الله عز وجل احبه الله الي آخر رسول خدا فرماید: کسیکه یاد خدا بسیار نماید، خداوند او را دوست میدارد و نوشته میشود برای او دو رهایی «ایمنی» رهایی از آتش دوزخ و رهایی از دورویی.
۴. عن ابي عبدالله (ع): قال الله من ذكرني في الملاء من الناس الا آخر ابو عبدالله فرمود: میفرماید خداوند کسیکه مرا در آشکارا و در بین مردم یاد نماید من هم او را در بین ملائکه یاد مینمایم.
۵. قال الله تعالى موسى عليه السلام: اكثر ذكرى بالليل الي آخر خداوند فرمود به موسی (ع) زیاد یاد من بنما در شب و روز بوده باش در موقع یاد من خاشع، با حال توجه. احادیث شریفه در فضیلت و امر بپاد خدا بودن زیاد است فقط پنج حدیث انتخاب شد.
- فضیلت مجالس ذکر:
- قال رسول الله (ص): حضور مجلس الذكر افضل من الصلوة الف ركعه ترجمه: فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله: حاضر شدن در مجلسی که یاد خدا در آن باشد برتر است از هزار رکعت نماز «البته مستحبی» قال رسول الله (ص): اذ امرتم في رياض الجنة فارتعوا الي آخر ترجمه: فرمود رسول خدا زمانی که مرور نمودید در باغهای بهشت پس بهره برد ارید (بچرید) و لذت ببرید. عرض کردند: ای رسول خدا باغهای بهشت کدام است؟ فرمود: مجالس (حلقه های) ذکر خدا. بدرستی که از برای خدای تعالی ملائکه سیر کننده ایست که جویای مجلس و حلقه هایی هستند که در آن یاد خدا و ذکر خدا باشد و چون به آن حلقه ها رسیدند پس طواف می کنند بر دور آنها و اطراف آنها را احاطه می نمایند. «کنایه از این است که اطراف اهل مجلس می گیرند و آنها را از آسیب و بلا نگهداری میکنند به امر خدا».
- قال رسول الله (ص): بادرو الي رياض الجنة في دار الدنيا الي آخر فرمود رسول خدا (ص): پیشی گیرید (بشتابید) بسوی باغهای بهشت در این دنیا. عرض کردند: چه چیز است باغهای بهشت در دنیا؟ فرمود حلقه های ذکر «مجالسی که به یاد خدا تشکیل می گردد» ذکر و مجالس ذکر از نظر خداوند متعال و رسول محترم و ائمه اطهار و اولیای عظام فوق العاده مورد توجه و احترام است تاجایی که افضل از هزار رکعت نماز می شمارند. پس واجب و لازم است بر افرادی که خود را اهل اینگونه مجالس میدانند و در آن حضور می یابند، آداب و احترام آن را رعایت نموده با مجالس دیگر تفاوت بگذارند: تا مورد توجه و عنایت خدا و بزرگان دین واقع شده و بهره کامل از اینگونه مجالس ببرند.

شست و شویی کن و آنکه به خرابات حرام تا نگردد ز تو
این دیر خراب آلوده

۱. آنکه لباس و بدن را از آلودگی و ناپاکی پاک‌گرداند یا غسل و وضو در صورت ممنوع بودن از آب تیمم بنماید و خود را به بوی خوش بیاراید اگر بتواند با غسل توبه وارد شود، بسیار بسیار نیکوست. غسل توبه حالت توجه و خضوع و خشوع را زیاد مینماید.

۲. از منزل یا محلی که هست و به قصد شرکت در مجلس ذکر حرکت میکند سر را به زیر انداخته بدیگری توجه نداشته باشد، به دل و زبان یاد خدا نماید و قصدش فقط خدا باشد و منظورش دیدن کسی برای اموری از دنیا نباشد.

۳. وقتی که وارد مجلس شد در هر کجا که هست بنشیند و جا را برای دیگران تنگ نکند. تا میتواند رو به قبله یا اگر در مجلس بزرگی باشد رو به او بنشیند. با کسی حرف نزند، خصوصاً "حرف دنیایی که بسیار نازیباست و مشغول ذکر قلبی یا زبانی خود باشد و آنی از فکر و ذکر غفلت نکند که شیطان آماده است که تا سالک از ذکر و فکرش غافل شود او را به طرف خود بکشانند.

۴. دهان و دست و پاها را کاملاً بشوید که بوی عفونت ندهد: اگر غذایی که بودار بوده مانند سیر و پیاز خورده است پهلوی کسی ننشیند که از بوی دهان او ناراحت باشد. سعی کند سرفه و خورناسه (صدای دماغ) نداشته باشد و به این طرف و آن طرف نگاه نکند.

۵. اگر کتابخوان مجلس کلمه‌ای را غلط خواند، ایراد غلط نکند، چه آنکه حال شنوندگان را تغییر میدهد و انگهی بزرگ مجلس خود داند اگر صلاح باشد غلط او را گوشزد میکند. عبارت یا اشعاری را که کتابخوان میخواند بلند بلند همراهی نکند در خواندن. این عمل دو عیب دارد: یکی آنکه اظهار فضل نمودنست، دیگر آنکه حواس خواننده و شنونده را مشتت می‌کند.

۶. در پیش پای کسی بلند نشود مگر آن کس که بزرگ مجلس احترام نمود و پیش پای او برخاست اساساً مجلس فقری باید از همه اسباب تعین و تشخیص دنیوی خالی باشد آنجا حالت خضوع و خشوع و توجه قلبی به ذکر و فکر می‌خواهد و بس.

۷. اگر کتابخوان مطلبی را خواند و متوجه نشد در همان حال سوال نکند، صبر کند پس از خاتمه کتاب بپرسد.

۸. اگر در مجلس کسی از بزرگ مجلس سوالی کرد یا ایرادی نمود، مداخله نکند. اساساً در محث و گفتگوی دیگران وارد شدن مذموم و بسیار عمل زشتی میباشد.

۹. پیرمردان را و کسانی که راه رفته ترند (پیشکسوتان) احترام نماید.

۱۰. اگر در مجالس اطعامی میشود دیگران را بر خود ترجیح دهد، اول به آنها برساند.

۱۱. از کشیدن سیگار در مجلس بلکه همه وقت به دقت خودداری نماید که باعث آزار مؤمنین نشود.
۱۲. از برادران فقری خود انجام اموری را که از طاقت و توانایی آنها خارج است نخواهد چه در صورت عملی نشدن باعث کدروت قلبی میشود.
۱۳. دست ها را کاملاً قبل از حضور در مجلس بشوید و معطر سازد که در موقع مصافحه فقری باعث تنفر نباشد.
۱۴. با برادران ایمانی خوشرویی و خوشرفتاری نماید و مصافحه کند تا محبت فیما بین زیاد شود. در حدیث است که دو مومن چون از روی خلوص نیت دست بدست هم بدهند خداوند گناه آنها را می بخشد و بر آنها رحمت میفرستد.
۱۵. با برادران ایمانی خصوصاً وبا مردم عموماً خوشرویی و خوشرفتاری نماید که سوء خلق و ترشرویی را خداوند و بزرگان دین دوست نمیدارند.
۱۶. نادانسته چیزی و سخنی نگوید خصوصاً مربوط به امور شرعی و دینی باشد چه ممکن است مسئله یا حکمی شرعی را برخلاف بگوید و سوال کننده هم عمل نکند و باعث گرفتاری و عذاب گوینده است که خداوند میفرماید: و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً یعنی کاری را که علم بدرستی آن (یا حرفی را که علم برآستی آن) نداری نگو بدرستی که گوش و چشم و قلب تو مسئول آن است.
۱۷. تا حالت عشق و محبت پیدا نشده با بزرگ مجلسیا دیگر اخوان مصافح ننماید که بوی نفاق خواهد داد خصوصاً اگر از روی تکلف و خودنمایی مصافحه کند و زانوی شیخ را ببوسد یا زمین خدمت را بوی شرک میدهد.
۱۸. با بیگانگان و غیر فقیر که بوی عشقی از آنان نمی آید ننشیند که افسرده دل افسرده کند انجمنی را وسعدی علیه الرحمه می گوید: پای در زنجیر پیش دوستان به که با بیگانگان در بوستان مگر برای هدایت و راهنمایی در صورت صلاحیت داشتن.
۱۹. از روی تکلف و خودنمایی صیحه نزند و فریاد نکند که علامت نفاق است و بزرگان این عمل را دوست نمیدارند. ولی اگر از روی بی اختیاری و غلبه محبت و شوق باشد ممدوح است ولی اگر بتواند خودداری کند بهتر.
۲۰. در مجلس با دیگری صحبت نکند خصوصاً حرف دنیا که دل را می میراند و حال توجه خود و دیگران را می برد.
- این بود مختصری از آداب ظاهری حضور در مجالس خدا. و اما آداب باطن مجالس که اس و اساس و روح آن است بسیار و اجمال آن این است:
۱. فقط و فقط برای اطاعت امر و تقرب بحق باشد.
 ۲. در ظاهر و باطن از جمیع معاصی توبه کند و حقیقتاً نادم باشد.

۳. کینه و عداوت هیچ مؤمن و مسلمی را به دل نداشته باشد.
۴. از روی تکبر و خودخواهی و خود نمایی نباشد.
۵. برای امور دنیوی و صوری نباشد.
۶. دل را از یاد دنیا و مافیها حتی از یاد بهشت و نعم او پاک کند و جز محبوب در دلش جای نداشته باشد.
- آداب رسیدن خدمت اقطاب و مشایخ صوفیه:
- اولاً مرید باید مراد خود را از همه عالم «سواى چهارده معصوم (ع)» بیشتر دوست بدارد و به او عشق بورزد چه آنکه بزرگترین سرمایه برای سالک عشق است نردبان ترقی او عشق است بی عشق هیچکس به مقامی نرسیده و نمی رسد.
- ملک جز عشق محرابی ندارد
جهان بی خاک عشق آبی ندارد
کسی کز عشق خالی شده فسرده است
گرش صد جان بود
بی عشق مرده است
- اگر سالک را عشق باشد آنهم عشق به حق و اولیای حق بدون شک و شبهه بمقامی خواهد رسید. لذا عشق به مراد اولین شرط سلوک است. دوم آنکه او را نماینده خدا و پیغمبر و ائمه هدی (ع) بدانند یعنی او را مجاز از امام یداً به ید در تربیت خداجویان بدانند. هر چه گفت بی چون و چرا بپذیرد. سخن او را سخن امام ، رفتار او را رفتار امام بدانند. مشایخی که از طرف او مجاز هستند بعنوان نمایندگی اطاعت نمایند. گفتار و کردار آنان را محترم بشمارد و پیروی کند و در حق آنان غلو نکند و به خیال خود و دلخواه خود نسبتی را که آنها به خود نداده اند نهد و اسرار مرادش را به هیچکس ولو به برادران طریقتی نگوید و در نزد بیگانگان زیاده از حد معمول تعریف و احترام نکند که باعث حسد شده تولید زحمت می نماید. در حضور آنها تا می تواند بنشیند و خیره خیره در آنها ننگرد. دلش را در باطن با دل پیر مقابل دارد تا از انوار ولایتی او بهره مند شود چنانکه مولوی فرماید:
- دل نگه دارید ای بی حاصلان
در حضور حضرت صاحب‌دلان
پیش اهل دل ادب بر باطن است
ز آنکه دلشان بر سرایر فاطن است
- در حضور آنان صدا را بلند نکند که به مصداق آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی" نهی اکید شده است چه آن که آنان نماینده پیغمبر اکرم (ص) میباشند و احترامشان هم به همان جهت واجب و لازم است. بدون داشتن حال ارادت و خشوع با آنها مصافحه نکند. بوسیدن زمین و زانوی آنها در صورت غلبه ارادت و محبت اشکالی ندارد ولی اگر از روی تکلف باشد بوی ریا و خود نمایی میدهد و ابداً جایز نیست. هرگاه آنها در محلی میهمان باشند، همراه آنها نرود مگر آنکه دعوت داشته باشد یا خودشان امر بفرمایند. در مجلس برای بزرگ وقت خود یا مشایخ

مجاز حریم قائل شود یعنی با فاصله بنشینند چون ممکن است فقیری صحبتی محرمانه و خصوصی داشته باشد و نخواهد کسی دیگر مطلع شود و توقف در حضور بزرگان زیاد نکند. به فرمایشات آنان کاملاً گوش بدهد. اگر فقرا زیاد باشند، از مصافحه خودداری کند و باعث اذیت بزرگان نشود، چه نگاه کردن به روی عالم هم عبادت است و معنی زیارت توجه قلب است. بی موقع بدرخانه آنها نرود مگر در حال ضرورت. سوالات بیمورد نکند. چنانچه موضوعی برایش مشکل شد توجه کامل به سخنان آنها داشته باشد اشکالش حل میشود. در امور دنیا تا میتواند به ظاهر آنها متوسل نشود و استمداد و طلب همت از باطن آنها بنماید.

از خدا جوئیم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از لطف رب
فضیلت همنشینی با فقرا:

کلمه فقرا در اینجا نه آن کسانی هستند که دارایی دنیا ندارند. ای بسا ناداری که چنان حب دنیا را دارد که همه چیز حتی خدا را فراموش کرده و ای بسا ثروتمندی که با داشتن ثروت بسیار دلش خاضع و خاشع و متذکر اوامر و نواهی الهی است و محبت دنیا را در دل خود که جای خدا میباشد راه نداده است. منظور از فقرا در اینجا کسانی هستند که دلشان از محبت و عشق خدا پر است. دیدنشان انسان را به یاد خدا می اندازد. گفتارشان به دانش و علم انسان می افزاید و رفتارشان شخص را به راه خدا آشنا می سازد. منظور از کلمه فقرا اینان هستند. خداوند متعال پیغمبر و حبیب خود را نهی می فرماید که: از نقوش و زینتهای دنیا چشم پوشی کن و بر آنان اندوه مخور ولی اهل ایمان را (فقرا) زیر پر و بال علم و حکمت خود بگیر و با کمال حسن خلق با آنها رفتار کن و لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجاً و در جایی دیگر میفرماید: ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا یعنی و هرگز با آنان که ما غافل کرده ایم قلب آنها را از یاد خود و تابع هوای نفس خود شدند و به تبه کاری پرداختند، متابعت مکن.

آدرس: قم خیابان ارم کوچه شریعت (۱۸) حسینیه شریعت - شیخ جلیل سلسله صوفیه علویه رضویه اثنی عشری شاه نعمت الهی ولی سلطانعلیشاهی گنابادی (شیخ الصوفیه) عارف ربانی سلاله السادات عارف ربانی جناب حاج سید احمد شریعت رضوی « درویش فیض علی » دامت شوکته تلفن: ۷۷۳۴۶۲۴
«تالیف: حاج سید فخرالدین برقعی»

از قطعهنامه‌های راهپیمایی بصیرت که به دستور اداره اطلاعات قم در شهر قم و در برابر ویرانه حسینیه شریعت برگزار گردید:



... و چون نیامدند آنها را زدیم و کشتیم و
 حجاب زنانشان را برگرفتیم و کودکانشان
 را دستگیر کردیم و حسینیه و خانمانشان
 را ویران کردیم و ثابت کردیم که ما

"مسلمانیم"

خدایا اگر اینان مسلمانانند ما را
 از این طایفه قرار مده که ایشان
 همان کفارند که در لباس اسلام
 درآمده‌اند.

